

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توسل به پیامبر و اولیای الهی

دوره یازدهم، شماره، هفتم

نام جزوه: توسل به پیامبر و اولیای الهی
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق

ناشر: موسسه در راه حق

نوبت چاپ: مکرر

تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش

چاپخانه: سلمان فارسی

نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)

کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق

تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

١. توسل به اسما و صفات خدا..... ٥
٢. توسل به قرآن کریم..... ٧
٣. توسل به عمل صالح..... ٧
٥. توسل به دعای برادر مؤمن..... ١٥
٦. توسل به دعای رسول خدا پس از رحلت..... ١٧
- ابن تیمیه و پیروان وی..... ٢٨
- آیا درخواست دعا از میّت شرک است؟..... ٣١
- آیا درخواست دعا از میّت بی فایده است؟..... ٣٣
- آیا میان ما و مردگان، حائلی وجود دارد که مانع رسیدن صدای ما به آنهاست؟..... ٣٥
- آیا پیامبر سخن ما را می شنود؟..... ٣٧

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۵

توسّل، انواع و اقسامی دارد که ذیلاً یادآور

می‌شویم:

۱. توسّل به اسما و صفات خدا

یکی از اقسام توسّل، خواندن خداوند به اسما و صفات اوست. این نوع توسّل در روایات، بالأخص در ادعیه اهل بیت (علیهم‌السلام)، فوق‌العاده بارز و چشمگیر است.

در دعایی از امام باقر و صادق (علیهما‌السلام)

چنین وارد شده است:

اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيْمِ الْاَعْظَمِ، الْاَعَزِّ
الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِيْ اِذَا دُعِيَْتَ بِهِ عَلٰى مَغَالِقِ اَبْوَابِ
السَّمَاءِ لِفَتْحِ الرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ وَاِذَا دُعِيَْتَ بِهِ عَلٰى

٦ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

مضایق أبواب الأرض للفرج انفرجت و إذا دعیت به
على العسر لیسر تیسرت...^۱

خدایا من از تو سؤال می‌کنم به نام بزرگ و
بزرگ‌تر، گرامی‌تر و بالاتر و برترت، نامی که اگر به
آن نام بر درهای بسته آسمان برای باز شدن به وسیله
رحمت، خوانده شوی باز می‌شود و اگر به آن نام
برای گشوده شدن درهای تنگ زمین خوانده شوی
گشوده می‌گردد و اگر به آن نام برای آسانی خوانده
شوی آسان گردد... .

دعای جوشن کبیر نمونه‌ای بارز از این نوع
توسل است که در ماه شب‌های قدر رمضان خوانده
می‌شود.

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۷

۲. توسّل به قرآن کریم

یکی از راه‌های توسّل، توسّل به قرآن کریم است. لذا در شب‌های قدر مستحب است انسان قرآن را باز کند و در مقابل خود بگذارد و این دعا را بخواند:

اللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمَنْزِلِ وَمَا فِيْهِ وَفِيْهِ
اسْمِكَ الْاَكْبَرِ وَ اَسْمَاؤِكَ الْحَسَنِي...^۱

پروردگارا من از تو به وسیله این کتابی که فرو فرستاده ای و آنچه در آن است و در آن است نام بزرگت و اسمای زیباییت درخواست می‌کنم...

۳. توسّل به عمل صالح

توسّل به عمل صالح که سومین نوع از توسّل است و خلاصه آن این است که اگر انسان عملی را برای خدا

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۴۴۵.

۸ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

انجام داده، چنانچه مشکلی پیدا کند می‌تواند به پاس عمل صالح مزبور، از خداوند متعال بخواهد که مشکل او را برطرف کند. بلکه می‌توان گفت انسان هرگاه عمل پاکی را انجام می‌دهد، در همان حال می‌تواند به آن توسل جوید و از خالق هستی درخواست حاجت نماید. ذیلاً به یک شاهد تاریخی در این زمینه توجه کنید:

محدثان اسلامی از فریقین، یادآور شده‌اند که سه فرد با ایمان در بیابان گرفتار باران و غیره شده و به غاری پناه بردند. مع الأسف بر اثر ریزش باران صخره عظیمی از بالای کوه کنده و سرازیر شد و در غار را پوشاند. در این موقع یکی از آنان گفت: راست‌گویی مایه نجات ما است، بیاید هرکدام از ما

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۹

عمل صالحی را که انجام داده‌ایم بازگو کنیم و از خداوند به حُرمت و برکت آن عمل صالح، درخواست فرج کنیم. هر یک از آن سه نفر عمل ارزنده‌ای را که برای خدا انجام داده بودند متذکر شدند و توسّل آنان به اعمال صالح خویش سبب شد که سنگ به قدرت الهی کنار برود و در غار به رویشان بازگردد.

محدّث برقی (متوفای ۲۷۴) پس از یادآوری این مطلب می‌گوید: یکی از آنان گفت: خدایا تو می‌دانی به زن زیبایی مبلغی پرداختم او نیز آماده کام‌گیری شد، اما من به یاد آتش دوزخ افتادم و آن مجلس را ترک کردم، در این موقع صخره کمی عقب رفت.

۱۰ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

دیگری گفت: من گروهی را برای کار اجیر کرده بودم و قرار بود که به هر یک نیم درهم مزد بدهم. به هنگام فراغ از عمل یکی از آنان از من یک درهم تمام طلب کرد و دلیلش این بود که من کار دو نفر را انجام داده‌ام. من به گفتار او ترتیب اثر ندادم و او چیزی نگرفت و بیرون رفت و من با پول او (به ضمیمه امکانات خودم) کشاورزی کردم و سود بردم. وقتی از این مسأله آگاه شد سراغ من آمد من به او ده هزار درهم پرداختم و این کار را برای رضای تو انجام دادم. در این موقع صخره باز هم کمی عقب رفت.

سومی گفت: من برای پدر و مادرم ظرف شیری آوردم و هر دو را در حال خواب دیدم. با

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۱۱

خود فکر کردم که اگر ظرف را بر زمین نهاده و خانه را ترک کنم ممکن است مگس یا پشه‌ای در آن وارد شود. از طرفی هم دوست نداشتم آن‌ها را از خواب بیدار کنم. لذا به همین حالت ایستادم تا اینکه آنان بیدار شدند و شیر را میل کردند. در این موقع صخره از در غار به کلی کنار رفت و راه باز شد.^۱

این سرگذشت را محدثان شیعه و سنی با اختلافاتی نقل کرده اند.

۴. توسّل به دعای پیامبر(صلی الله علیه وآله)

۱. این سرگذشت را محدثین فریقین نقل کرده‌اند، بخاری، صحیح، ج ۴، ص ۱۷۳، کتاب الأنبياء، باب ۵۳ و کتاب بیع، باب ۹۸؛ نور الثقلین، ص ۳، نقل از محاسن برقی؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۳، ص ۵۲.

۱۲ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

رسول گرامی (صلی الله علیه وآله) شریف‌ترین و گرامی‌ترین انسانی است که خدا آفریده است. آیات قرآنی به مقام و منزلت پیامبر اشارات فراوانی دارند که نقل آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد.

برای همین مقام قدسی که پیامبر در پیشگاه خدا دارد، دعای او رد نمی‌شود، لذا به گنه‌کاران دستور داده شده که به محضر پیامبر بروند و از او درخواست کنند که در حق آنان استغفار کند:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا
اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛^۱

هرگاه آنان زمانی که بر خویش ستم کرده‌اند نزد تو بیایند و از خدا طلب مغفرت کنند و پیامبر نیز

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۱۳

برای آنان طلب مغفرت کند، خدا را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت.

از برخی از آیات استفاده می‌شود که پیامبران دیگر نیز از شأن و منزلتِ وساطت در پیشگاه الهی، برخوردار بوده‌اند. فرزندان یعقوب آنگاه که خطای آنان آشکار گشت به پدر گفتند:

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ
سَوْفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛^۱

گفتند: ای پدر جان برای گناهان ما از خداوند طلب آمرزش کن؛ راستی که ما خطا کار بودیم.

۱۴ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

یعقوب (علیه السلام) گفت: به زودی از پروردگرم طلب مغفرت برایتان خواهم کرد، همانا او آمرزنده و رحیم است.

در جواز این نوع توسل، جای هیچ بحث و گفتگویی نیست و مخالفی با آن، به چشم نمی خورد. اگر سخنی باشد، در جواز توسل به پیامبر در حال ممات اوست و با توجه به آنچه که در بخش زیارت گفتیم، خواهیم دانست که فرقی بین حیات و ممات پیامبر نیست و حضرتش در هر دو حالت، قادر به طلب مغفرت از درگاه الهی است. تفصیل آن خواهد آمد.

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۱۵

۵. توسل به دعای برادر مؤمن

قرآن گواهی می‌دهد که فرشتگان در حق افراد باایمان دعا می‌کنند:

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا؛^۱

کسانی که عرش خدا را حمل می‌کنند و آن‌ها که پیرامون آن‌اند، به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که ایمان آورده‌اند طلب آمرزش می‌کنند... .

این تنها فرشتگان نیستند که برای افراد باایمان دعا می‌کنند، بلکه قرآن (با لحنی جانب‌دارانه) از دعای مؤمن در حق مؤمن نیز گزارش می‌دهد:

۱. سوره غافر، آیه ۷.

۱۶ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

وَ الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا
وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا
لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ^۱ و نیز کسانی که
بعد از آنان (مهاجران و انصار) آمدند می گویند:
پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان
آوردن بر ما پیشی گرفتند بخشای و در دل‌های ما
نسبت به کسانی که ایمان آوردند (هیچ گونه) کینه‌ای
مگذار! پروردگارا، تو حَقًّا رَؤُوفٌ و مهربانی.

بنابراین، دعای فرشتگان و مؤمنان در حق افراد
بایمان مؤثر است. پس سزاوار است که انسان باایمان
به این سبب متوسل شود، یعنی از مؤمنان بخواهد که
برای او دعا کنند.

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۱۷

۶. توسّل به دعای رسول خدا پس از رحلت

مباحث گذشته ثابت کرد که در عصر حیات پیامبر (صلی الله علیه وآله)، درهای رحمت به روی گنه کاران باز بود و آنان به حکم آیه **وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا...^۱** می توانستند به حضور پیامبر برسند و از او بخواهند که درباره آنان طلب آمرزش کند.

قرآن منافقان را به علت اینکه از این دریای بیکران رحمت بهره نمی گیرند، نکوهش می کند و می فرماید: هر موقع به آنان گفته می شود نزد رسول خدا بیائید تا رسول خدا (صلی الله علیه وآله) برای

۱. سوره نساء، آیه ۶۴.

۱۸ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

شما طلب آمرزش کند، سر می پیچانند. (امتناع می ورزید)...^۱

جای این سؤال وجود دارد که:

آیا، با رحلت رسول خدا، این باب رحمت و این فیض مغفرت بسته شده است و دیگر هیچ مسلمانی نمی تواند در روضه پیامبر از او بخواهد که در حقّ وی طلب آمرزش کند، یا این فیض بسان دوران حیات آن حضرت، همچنان جریان دارد؟! یعنی هم اکنون نیز مسلمانان هنگام تشرّف به حرم شریفش می توانند از وی درخواست دعا کنند و آیه

۱. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُؤُوسِهِمْ...، سوره

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۱۹

یادشده **وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ...**^۱ هر دو حالت

(حیات و ممات) پیامبر را فرامی‌گیرد؟

در پاسخ باید گفت: مسلمانان جهان از عصر صحابه و تابعان تا به امروز، عملاً این باب رحمت را باز می‌دانند و زائران روضه مطهره هم‌اینک پس از تقدیم سلام و درود به پیشگاه ارجمند پیامبر، آیه یادشده را تلاوت می‌کنند و ضمن استغفار به درگاه الهی، از پیامبر نیز می‌خواهند که درباره آنان طلب آمرزش کند و هر فردی در هر زمانی که به حرم آن حضرت مشرف شود زائران را در این حالت می‌یابد. گذشته از سیره عملی مستمر مسلمین بر درخواست دعا از حضرت، زیارت‌نامه آن حضرت

۲۰ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

نیز که سنی و شیعه آن را نقل کرده‌اند حاوی درخواست مزبور است. برای جلب اطمینان خواننده گرامی، سخنان برخی از آن‌ها را نقل می‌کنیم تا روشن شود که علمای بزرگ در روزگارهای دیرینه بسان امروز پیوسته به دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله) توسل می‌جسته‌اند:

۱. زکریا محیی الدین نَوَوِی (۶۳۱ - ۶۷۶)

می‌نویسد: زائر رو به رسول خدا کند و درباره خویش به او توسل شود و به وسیله او به سوی خدا شفاعت جوید و از زیباترین چیزها همان است که ماوردی، قاضی ابوالطیب و دیگر اساتید ما از عُتبی با تحسین نقل کرده‌اند.

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۲۱

عتبی می گوید: من نزد قبر رسول خدا بودم
مردی از بیابان آمد و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَمِعْتُ اللَّهَ يَقُولُ:
لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ
اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا^۱

سلام بر تو ای رسول خدا، شنیدم خدا
می فرماید: هرگاه آنان بر خویش ستم کنند و نزد تو
بیایند و از خدا طلب نظیر این رویداد سه روز پس از
رحلت رسول خدا نیز رخ داده است که تفصیل آن را
در بخش «زیارت» آوردیم و تعدّد واقعه بسیار
محتمل است.

۱. نووی، مجموع (شرح مذهب شیرازی، ج ۸، ص ۲۵۶، چاپ
مکتبه ارشاد، جده.

۲۲ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

آمرزش کنند و رسول خدا نیز برای آنان درخواست مغفرت کند، خدا را توبه پذیرِ مهربان خواهند یافت. ای رسول خدا، اینک من به نزد تو آمدم، از گناهم استغفار می‌کنم و تو را شفیع به سوی پروردگarem قرار می‌دهم.

تصوّر نشود که تنها نووی و چند نفر از اساتید وی، به صحت درخواست دعا از پیامبر، قائل شده‌اند؛ محدثان و فقیهان دیگر نیز این شیوه از زیارت را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند.

۲. ابن قدامه حنبلی (متوفای ۶۲۰) در آداب زیارت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) ضمن طرح این مطلب که: «زیارت قبر پیامبر مستحب است»، از ابوهریره نقل می‌کند که پیامبر فرمود: هر کس به من

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۲۳

سلام کند من پاسخ سلام او را می‌گویم. سپس از عتبی، سرگذشت عرب مزبور که در گزارش نووی خواندیم نقل می‌کند.^۱ هدف وی از نقل این داستان نیز آن است که زیارت آن حضرت به این شیوه صورت پذیرد.

۳. سمهودی از کتاب «المستوعب» نگارش محمدبن عبدالله سامری حنبلی کیفیت زیارت آن حضرت را چنین نقل می‌کند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ...
اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ لِنَبِيِّكَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): (وَلَوْ أَنَّهُمْ
إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ) وَ إِنِّي قَدْ أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا، فَأَسْأَلُكَ

۱. ابن قدامه، مغنی، ج ۳، ص ۵۸۸، همراه با شرح کبیر.

۲۴ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

أن توجب لي المغفرة كما أوجبتها لمن أتاه في حياته، اللهم إني
أتوجه إليك بنبيك (صلى الله عليه وآله)؛^۱

سلام بر توای رسول خدا، درود بر توای پیامبر
خدا... پروردگارا، تو در کتابت خطاب به پیامبرت
چنین گفتی:

هرگاه آنان بر خویش ستم کنند و نزد تو
بیایند....

پروردگارا، من در حال استغفار به حضور
پیامبرت رسیدم و از تو می‌خواهم مغفرتت را نصیبم
کنی، همان‌طور که در حال حیات پیامبر نصیب
اصحاب وی می‌فرمودی. پروردگارا، من با وسیله
قرار دادن پیامبرت، به‌سوی تو روی می‌آورم.

۱. وفاء الوفاء، ج ۴، ص ۱۳۷۶، تحقیق محمد محیی‌الدین
عبدالحمید.

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۲۵

۴. غزالی (متوفای ۵۰۵) در بخش مربوط به فضیلت زیارت مدینه، کیفیت زیارت آن حضرت را به صورت گسترده نقل کرده و می‌گوید: پس از به پایان رساندن درودها، روبه قبر پیامبر ایستاده خدا را حمد و ثنا بگوید و درود فراوانی به پیامبر بفرستد. سپس آیه **وَلَوْ أَنَّهُمْ...** را تلاوت کند و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنَّا قَدْ سَمِعْنَا قَوْلَكَ وَأَطَعْنَا أَمْرَكَ وَقَصَدْنَا نَبِيَّكَ، مَتَشَفِّعِينَ بِكَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِنَا وَقَدْ أَثْقَلَتْ ظَهْرُنَا مِنْ أَوْزَارِنَا...!^۱

پروردگارا، سخن تو را شنیدیم و امر تو را اطاعت کردیم و نزد پیامبر تو آمدم، درحالی که او را

۱. احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۵۹، چاپ دارالمعرفة.

۲۶ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

شفیع خود نزد تو برای آمرزش گناهانمان قرار داده‌ایم و پشت ما از بار گناهان، سنگین است.

۵. شیخ حسن بن عمار شرنبلانی در کتاب

«مراقی الفلاح» زیارت آن حضرت را چنین نقل

می‌کند:

السلام عليك يا سيّدي يا رسول الله السّلام
عليك يا نبي الله... إنّ الخطايا قد قصمتْ ظهورنا و
الأوزار قد أثقلت كواهلنا و أنت الشافع المشفع،
الموعود بالشفاعة العظمى و المقام المحمود و الوسيلة
و قد قال الله تعالى: (و لو أنّهم إذ ظلموا أنفسهم
جاؤوك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا
الله تواباً رحيماً) و قد جنّناك ظالمين لأنفسنا،
مستغفرين لذنوبنا، فاشفع لنا إلى ربك؛^۱

۱. الغدير، ج ۵، ص ۱۳۹، به نقل از کتاب مراقی الفلاح.

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۲۷

سلام بر توای سرورم، ای رسول خدا، درود بر توای پیامبر خدا... خطاها پشت ما را شکسته و گناه بر دوش های ما سنگینی می کند. تو شفاعت کننده ای هستی که شفاعت او پذیرفته می شود. خداوند تو را به برخورداری از مقام شفاعت امت و مقام محمود و منزلت عظیم نزد خود وعده داده و فرموده است: هرگاه آنان بر خویش ستم کنند و نزد تو بیایند و از خدا طلب آمرزش کنند و پیامبر نیز برای آنان از درگاه الهی طلب آمرزش کند خدا را توبه پذیر و رحیم خواهند یافت ما درحالی که بر خویشتن ستم کرده ایم نزد تو آمده ایم و از گناهانمان استغفار می کنیم، پس برای ما نزد خدا شفاعت کن.

۲۸ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

ابن تیمیّه و پیروان وی

ابن تیمیّه و پیروان وی می گویند: درخواست دعا، از پیامبر به زمان حیات دنیوی او اختصاص دارد و این امر پس از رحلت آن حضرت جایز نیست!

آری می توان پیامبر را زیارت نموده، در کنار قبر او دعا کرد و از خدا حاجت خواست».^۱

از ابن تیمیّه می پرسیم: چرا درخواست دعا از آن حضرت پس از رحلت ایشان جایز نیست؟! آیا به این علت که تمام فضیلت‌ها و تقرّب‌ها با وضع جسمانی آن حضرت همراه بوده و مرگ آن حضرت ملازم با نابودی کرامت و تقرّب وی در درگاه الهی است؟! است!

۱. روح المعانی، ج ۶، صص ۱۲۸ - ۱۲۴.

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۲۹

آیا مرگ، پایان زندگی بشر بوده و پیامبر خدا
پس از رحلت، دیگر به هیچ معنی زنده نیست؟!
آیا، با فرض قبول حیات پیامبر، میان ما و او
هیچ ارتباطی برقرار نیست!؟

پاسخ همه این پرسش‌ها منفی است و در نتیجه،
باید پذیرفت که توسّل به آن حضرت، در هر دو
حالت (حیات و ممات) یکسان است.

در پایان یادآور می‌شویم شیخ خلیل احمد
سهارنپوری فتوای ۷۵ نفر از علمای اهل سنت بر
جواز توسّل را گردآوری نموده و عبدالرحمن
سربازی آن را به نام «عقیده اهل سنت و جماعت در
ردّ وهابیت و بدعت» ترجمه کرده و در سال ۱۳۷۰
هـ.ش منتشر کرده است.

۳۰ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

در کتاب یادشده خاطر نشان شده است که:
از نظر ما و مشایخ ما زیارت قبر سید المرسلین از
بزرگ‌ترین راه‌های تقرّب به درگاه الهی و دارای
مهم‌ترین ثواب‌ها و بزرگ‌ترین وسیله برای دستیابی
به درجات عالیّه است. حتّی امری است نزدیک به
درجه واجبات و فرائض شرعی، اگرچه رسیدن به آن
جز با شدّ رحال (تحمل رنج سفر) و بذل جان و مال،
نباشد. توسّل به انبیاء و اولیاء و صلحا و شهدا و
صدیقین در دعاها، چه در حال حیات آنها و چه بعد
از وفات ایشان، جایز است.^۱

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

۱. خلیل احمد سهارنپوری، عقاید اهل سنت و جماعت در رد
وهابیت و بدعت، ص ۸۶.

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۳۱

دلایل جواز توسّل به دعای آن حضرت پس از رحلت، روشن شد. در این زمینه شبهاتی وجود دارد که باید، به آن پاسخ گفت.

پرسش نخست: آیا درخواست دعا از میّت شرک است؟

برخی می‌پندارند درخواست دعا از انسان زنده که قادر بر انجام دعاست جایز است، ولی چنین درخواستی از میّت شرک می‌باشد. آیا این پندار صحیح است؟

پاسخ: مقصود از «شرک» در عبارت یادشده، شرک در عبادت است. یعنی درخواست دعا از میّت، نوعی پرستش اوست.

پندار فوق صحیح نیست، زیرا:

۳۲ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

اولاً: اگر درخواست دعا از میّت نوعی پرستش او باشد، طبعاً درخواست مزبور از فرد زنده نیز، پرستش او خواهد بود، زیرا ماهیّت عمل در هر دو یکی است و آن «درخواست با خضوع» از غیراست. طبعاً از آنجاکه درخواست دعا از فرد زنده را شرک نمی‌داند، باید درخواست از شخص میّت را نیز منافی توحید نشمارد.

ثانیاً: ما در شماره دوم، از این سلسله نشریات عبادت و پرستش را به نحو منطقی تفسیر کردیم و گفتیم هر خضوعی، هر درخواستی و هر ندا و دعایی عبادت نیست. پرستش، آن نوع خضوعی است که باعقیده خاصی همراه باشد، یعنی انسان کسی را که در برابر او خضوع می‌کند، العیاد بالله خدا بداند یا

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۳۳

مخلوقی بشمارد که (در خیال شخص دعاکننده) کارهای خدا به او واگذار شده است، چنانکه بت پرستان در مورد بت‌ها چنین تصوّر می‌کردند. ولی خضوعی که از این‌گونه عقاید واهی پیراسته باشد و شخص خاضع، طرف مقابل خود را بنده مقرب درگاه الهی بداند و به این اعتبار از او درخواست دعا کند، چنین خضوعی پرستش نیست.

پرسش دوّم: آیا درخواست دعا از میّت بی‌فایده است؟

دوّمین شبهه و ایراد این است که فرد میّت، قادر به اجابت درخواست انسان نیست. بنابراین درخواست دعا از او یک عمل لغو و بیهوده است.

۳۴ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

پاسخ: منشأ این سؤال، جهان‌بینی مادی است که مرگ را پایان زندگی تصور کرده، برای رفتگان، حیات و زندگی قائل نیست و لذا درخواست دعا از مردگان را لغو می‌پندارد!

ولی با توجه به این که مرگ انتقال از یک جهان به زندگی در جهان دیگر است، پاسخ این سؤال روشن است، زیرا درست است که فرد میّت، حیات دنیوی ندارد، اما از حیات برزخی برخوردار است و می‌تواند - با مشیّت الهی - به درخواست ما پاسخ بگوید.

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۳۵

پرسش سوّم: آیا میان ما و مردگان، حائلی وجود

دارد که مانع رسیدن صدای ما به آنهاست؟

کسانی که از این جهان رخت برمی‌بندند میان

آنان و ما حائلی وجود دارد که قرآن نام آن را «برزخ»

نهاده است.

وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ^۱

در این صورت، ندا و دعای ما به آنان

نمی‌رسد.

پاسخ: برزخ در لغت عرب به معنی حائل و

مانع است. ولی مقصود از حائل همان مانع از

بازگشت رفتگان، به حیات دنیوی است نه مانع از

۱. سوره مؤمنون، آیه ۱۰۰.

۳۶ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

ارتباط آنان با زندگان. دقت در آیه مربوط به برزخ، حقیقت این مانع را روشن می‌سازد. قرآن می‌فرماید:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ
لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا؛^۱

تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرارسد می‌گوید:

پروردگارا مرا (به دنیا) بازگردان، باشد که من در آنچه وانهادهام کار نیکی انجام دهم. (خطاب می‌رسد) «کلا» نه چنین نیست، این سخنی است که وی گوینده آن است.

با توجه به اینکه گنه‌کار، خواهان بازگشت به

این دنیاست، قرآن در ردّ درخواست او می‌فرماید:

وَمِنْ وَّرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ (۲)

۱. سوره مؤمنون، آیه ۱۰۰.

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۳۷

پیش روی آنان حائل و مانعی وجود دارد که از بازگشت آنها به این دنیا و تحقق آرزوی آنان جلوگیری می‌کند.

بنابراین حائل، مانع از بازگشت به دنیا است، نه مانع از آگاهی و ارتباط میان زندگان و رفتگان.

پرسش چهارم: آیا پیامبر سخن ما را می‌شنود؟
قرآن در مقام بیان وضع مشرکان آنان را به میّت تشبیه می‌کند و هدف آن، این است که همان‌طور که میّت توانایی شنیدن را ندارد، مشرکان نیز چنین‌اند، چنانکه می‌فرماید:

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى؛^۱ البته تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی.

۳۸ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

... و مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ؛^۱

و تو کسانی را که در گورهايند نمی توانی شنوا سازی.

از تشبیه مشرک (در شنوایی) به «میت» می توان گفت که اصل «ناشنوایی» در میت امر مسلمی است که مشرک به او تشبیه شده است.

پاسخ: شکی نیست که در هر تمثیلی و تشبیهی، «وَجْهٍ شَبَهٍ»ی وجود دارد که تمثیل و تشبیه مزبور، بر محور آن می چرخد. مثلاً زمانی که می گوئیم زید مانند شیر است، وَجْهٍ شَبَهٍ، «شجاعت» است که هر دو دارا می باشند.

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۳۹

اکنون ببینیم وجه شبه میان مشرک و میّت

چیست؟

هرگز نمی توان گفت وجه شبه نفی شنوائی

به طور مطلق است. زیرا بر فرض این هم که میّت

فاقد سماع باشد، مشرک فاقدِ قوه شنوایی نیست. چه

او صدای پیامبر و دیگران را می شنود.

طبعاً وجه شبه، چیز دیگری خواهد بود و آن،

نفی سماع سودمند. یعنی همان طور که دعوت میّت

به سوی عمل صالح، سودی ندارد؛ زیرا وقت عمل

گذشته است، دعوت مشرکان نیز به سوی ایمان و

عمل صالح عملی بیهوده است، زیرا آنان هیچ گونه

آمادگی روحی برای پذیرش این دعوت ندارند.

۴۰ / توسل به پیامبر و اولیای الهی

این حقیقت، با توجه به آیات و روایاتی که بر حیات برزخی در مؤمنان و کافران گواهی می‌دهند، کاملاً روشن می‌شود. در یک کلام، دعوت مشرکان به ایمان و عمل صالح، بسان دعوت «مردگان» به انجام کار نیک است و شخص دعوت‌کننده از دعوت این دو گروه (مشرکان و مردگان) طرفی نمی‌بندد. مشرک می‌شنود، اما آمادگی برای عمل را ندارد؛ میّت نیز می‌شنود، ولی وقت عمل وی پایان پذیرفته و زمان مؤاخذه و مکافاتش رسیده است. جالب است بدانیم که شاگرد ابن تیمیّه، ابن قیم الجوزیه، نیز در کتاب خود «الروح» آیه مورد سؤال را به سان ما تفسیر کرده

دوره یازدهم، شماره هفتم / ۴۱

است^۱ و پذیرفتن چنین تفسیری، حاکی از عدول وی
از نظریه استادش ابن تیمیّه است.

پایان

۱. الروح، صص ۴۶ - ۴۵، چاپ دار کتب علمیه.